

خوش رفتاری مسلمین يك عامل بزرگ پیروزی

نمونه‌های جالبی از طرز رفتار پیشوایان
اسلام و سپاهیان مسلمان با ملل غیرمسلمان

میدارد» (۱)

علی علیه السلام: ضمن فرمانی که بمالك اشتر
استاندارش در مصر صادر فرمود، دربارهٔ مردم آن
سامان که در حدود پانزده میلیون نشان مسیحی و غیر
مسلمان بوده‌اند (۲) چنین تصریح میکند:

«نسبت به مردم قلمرو حکومت خود، همچون
درنده‌ای خونخوار مباش که خوردن ایشان را غنیمت
شماری زیرا آنان دودسته‌اند: «**اماخ لك في
الدين او نظير لك في الخلق**» یا برادر دینی
تواند و یا در آفرینش همانند تو، بنابراین از عفو و
گذشت خود، آنچنان آنان را بهره‌مند ساز که دوست
داری خدا از عفو و گذشت خود، بتوارزانی دارد» (۳)
مسلمین، در پر تو این نوع تربیتها میکوشیدند
با توده‌های غیرمسلمان، مانند دیگر از هم مسلکان

مسلمانان نخستین، در اثر سادگی طبع و فراهم
بودن شرائط برای دریافت روح اسلام، بقدری
دلپاختهٔ آن شده بودند که سعی میکردند بتمام
مقررات دین، آنچنان که هست عمل کنند و سراپا
اسلام باشند. آنها طبق تعلیم و تربیت اسلامی نه تنها
موظف بودند با هم مسلکان خود خوشرفتاری کنند
بلکه وظیفه داشتند با همهٔ انسانها «**رفتاری
انسانی**» داشته باشند.

قرآن مجید، دربارهٔ چگونگی روابط و رفتار
مسلمانان، با توده‌های غیرمسلمان، تصریح میکند:
«**خداوند، شمار از نیکی و احسان به افراد
غیرمسلمانیکه در امر دین، با شما نجنگیدند
و شما را از وطن خود آواره نکردند، منع
نمیکند، خدا افراد دادگر را دوست**

(۱) سورهٔ ممتحنه آیهٔ ۸ (۲) اسلام و حقوق بشر ص ۴۰۵

(۳) نهج البلاغه محمد عبده ج ۳ ص ۹۴

مختصری از آئین سابق خود دست کشیده مسلمان
شدم (۱)

بعدها اینمرد، از مسلمانان فداکار و شیعیان
با اخلاص گشت و در راه ترویج اسلام فدا کاریها و
از خود گذشتگیهای فراوان، نمود.

۲- علی علیه السلام، با مردی از کفار اهل ذمه
(کافرانی که در پناه اسلام زندگی دارند) رفیق راه
شد، مرد ذمی از او پرسید: بکجا میروی؟ امام فرمود:
کوفه. هنگامیکه بر سر دوراهی رسیدند؛ مرد ذمی
از حضرت جدا شد، امام نیز با او حرکت فرمود. ذمی
عرض کرد: مگر نمیخواستید بکوفه بروید؟ امام
فرمود چرا. ذمی عرض کرد: پس چرا از این راه
می آئید مگر نمیدانید راه کوفه از اینطرف نیست؟
امام فرمود: میدانم ولی پیامبر مابه ما امر فرموده:
هنگامیکه با کسی رفیق راه شدید وقت جدا شدن
از او چند قدمی او را بدرقه کنیم و من میخواستم
بدینوسیله بدستور او عمل کنم. ذمی گفت: واقعاً
پیامبر شما چنین امر کرده است؟ حضرت فرمود:
آری. مرد ذمی گفت: کسانی که با او گرویده اند
«کنها شیفته رفتار انسانی او شده اند» و من

شمارا گواه بر اسلام میگیرم!

مرد ذمی که تا آن ساعت علی علیه السلام را
نمی شناخت، با او بکوفه آمد هنگامیکه دانست او
امیر المؤمنین است، در یک مجلس رسمی بدست او
ابراز اسلام نمود (۲)

۳- مردی نصرانی خدمت امام باقر علیه -

خود، رفتار انسانی داشته باشند البته پیشوایان
مذهبی در این راه پیشقدم بودند.

اینک نمونه هایی از رفتار انسانی پیشوایان
مذهبی و دیگر از آحاد مسلمین را با توده های غیر
مسلمان که باعث گرایش آنها باسلام و یا موجب
اعتراف آنها بتحسین از رفتار مسلمین گردیده نشان
میدهم و از این رهگذر نتیجه میگیریم:

۱- مورخان آورده اند: هنگامیکه «علی ابن
حاتم» پس از شکست مردم «جبل طی» در
سال نهم هجری بشام فرار کرد و از آنجا بوسیله
خواهرش بمدینه آمد؛ در مسجد محضر پیامبر اکرم،
شرفیاب شد و سپس به همراه او بمنزل حرکت کرد،
در بین راه پیرزنی او را مدتها معطل کرد و با او در
باره حاجتی که داشت، صحبت نمود و او همچنان
بدرددلش گوش میداد.

«علی» میگوید: با خود گفتم: «والله ما هذا
بملك» بخدا قسم اینمرد سلطان و زمامدارمادی
نیست زیرا روش پادشاهان این نیست که برای
رفع گرفتاری پیرزنی اینقدر معطل شوند و تا این
اندازه تواضع داشته باشند.

بهر حال با او بمنزل رفتم، اطاقش ساده و بی فرش
بود، تنها فرش کوچکی از لیف خرما داشت، آن
را در صدر اطاق افکند و مرا روی آن نشاند و خود
روی زمین نشست و نهایت احترام را بمن می نمود.
این رفتار انسانی او آنچنان دردم اثر کرد که
دیگر نیازی به دلیل و برهان نداشتم، با خود میگفتم:
باید اینمرد پیامبر خدا باشد، پس از مذاکرات

(۱) سیره ابن هشام ج ۲ ص ۵۸۰

(۲) سفینه البحار ج ۱ ص ۴۱۶

بزرگان درباره خوشرفتاری با زیردستان بود .

و اینک برای نمونه بخشی از پیام خلیفه اول (که از سخنان پیامبر گرفته شده) مینگاریم که هنگام بیرون آمدن اسامه از مدینه برای گرفتن شامات بوی گفته بود: «ای اسامه تو و سپاهیان تو نباید مردم را فریب بدهید، نباید نادرستی کنید، نباید بیدادگر و ستمگر باشید، کشته ها را گوش و بینی نبرید، پیر مردان و زنان و کودکان را نکشید؛ درخت باریک را نکشید، گاو و گوسفند و شتر را جز برای خداسر نبرید، در میان راه به مردمانی بر میخورید که از این جهان دست کشیده گوشه ای گرفته اند و به پرستش خدا روز میگذرانند، زنهار زنهار آنها را میازارید و بگذارید بگوشه نشینی خود باشند».

برابری در مقابل اجرای احکام، از اصول مسلم صدر اسلام بود که با هر کس از هر طبقه بطور مساوات رفتار میشد» (۳)

«آلبرماله» مورخ شهیر فرانسوی ضمن تشریح علل پیروزی مسلمین، رفتار انسانی آنها را اینطور می ستاید: «مردم روم و فلسطین و شام و مصر، زیر بار مالیات فرسوده و بیبهاة کثروند که نیز مورد آزار بودند ... مسلمانان را که میانه روی پیشه کرده با غماض و گذشت سلوک میکردند، منجی خود میدانستند و لذا عده زیادی

السلام رسید و از روی توهین گفت: تو پسر زن طباحه و خانه داری! امام فرمود: **ذالك حرفتها** - آشپزی و کدبانوگری شغل او بوده اینک عیبی نیست. مرد نصرانی افزود: تو پسر کنیز سیاه بد زبان هستی! امام فرمود: اگر آنچه گفتمی راست است خدا او را بیامرزد و اگر دروغ است خدا تو را بیامرزد. مرد نصرانی از کرده خود پشیمان شد و بدست آنحضرت اسلام آورد و بسیار عذرخواهی نمود (۱)

تاریخ از اینگونه رفتارهای انسانی نسبت به پیروان مذاهب دیگر، چه از پیشوایان مذهبی و چه از دیگر آحاد مسلمین، زیاد بخاطر دارد، شما میتوانید در این زمینه بمتون تاریخ و کتب مربوطه مراجعه نمایید (۲)

* * *

اعتراف دانشمندان غیرمسلمان:

«جرجی زیدان» مسیحی ضمن بیان علل پیشرفت اسلام مینویسد: «چه کسی میتواند منکر تأثیر دادگستری و پرهیزکاری و خوشرفتاری مسلمانان باشد؟»

و چه کسی میتواند منکر شود که بزرگان اسلام در آغاز کار، دارای این صفات، نبودند؟ رعایای ایران و روم که تحت استیلای مسلمانان در میآمدند از دوزخ جور و ظلم به بهشت عدل و انصاف انتقال می یافتند و هرگاه که سپاهیان اسلام، برای کشورگشائی از پایتخت خود (مدینه) بیرون میآمدند، توشه راهشان پند و اندرز

(۱) نهج البلاغه محمد عبده ج ۳ ص ۹۴

(۲) مراجعه شود بکتاب اسلام و حقوق بشر بخش آزادی مذهبی.

(۳) تاریخ تمدن اسلام ج ۱ ص ۷۰

از آنها اسلام آورده و برای اعلاى این دین ،
وارد جانبازی شدند ، (۱)

«سیر توماس . و . از نواد» در کتاب معروف
خود «الدعوة الى الاسلام» فلسفه پیشرفت
اسلام را در جهان اینطور شرح میدهد: پس از آنکه
سپاهیان اسلام ، انطاکیه را از چنگال امپراطوری
روم نجات بخشیدند «میخائیل» بزرگ رئیس
اساقفه آنجا سریعاً اعتراف نمود: عمین سبب شد که
خدای دادگر که تمام قدرتها در دست اوست و
حکومتها را دست بدست میگرداند و بهر کس که
بخواهد میدهد وزیردستان را بلند میکند، هنگامی
که جنایات و ستمگریهای حکومت روم را که به
اتکاء قدرت خود، کنائس ما را غارت و سرزمینهای
ما را غصب کرده و بیرحمانه بر ما عذاب و شکنجه
وارد می ساخت ، مشاهده نمود ، فرزندان اسمعیل
(مسلمانان) را از نقاط دور دست جنوب، برای نجات
ما از دست رومیان بسوی ما فرستاد .

و در حقیقت ما خسارات زیادی از راه جدا شدن
کلیسای کاتولیک از ما و سپردن آنها بدست مردم
«خلفیدونیه» تحمل کردیم ولی هنگامیکه شهرها
تسلیم مسلمانها گردید ، هر کدام از کلیساهارا در
حوزه فعالیت خود ، مخصوص بطائفه ای نمودند
(در اینوقت کلیسای بزرگ «حمص» و کلیسای «حران»
از ما جدا شده بود) و در عین حال ، خلاصی از قساوت-
کاریهای روم و اذیتها و کینهها و زور گوئیهای
آنان و بدست آوردن امنیت و صلح برای ما کار
آسانی نبود.

هنگامیکه لشکر اسلام بوادی اردن رسید و
لشکرا بوعبیده مانند اسپان سر مست وارد شدند ،
مسیحیان اردن نامه ای برای آنان باین مضمون
نوشتند : ای مسلمانان ، شما پیش ما از
رومیان محبوب ترید ، سر چه آنها هم-
کیش مایند ولی شما نسبت به ما باو فائقتر ،
عادلتر و نیکو رفتارید ولی آنها هم بر ما
و هم بر منازلمان پیروزی یافتند و مالک-
الرقاب ما شدند !

مردم حمص دروازه های شهر خود را بروی لشکر
«هرقل» بستند ولی نسبت بمسلمین پیام فرستادند که
حکومت و عدالت آنان ، از ظلم و اجحاف رومیان
برایشان محبوب تر است ، (۲)

همین نویسنده در باب پنجم از همین کتاب ،
ضمن بیان انتشار اسلام در میان مسیحیان اسپانیا
چنین مینویسد : در صدر اسلام که مسلمانها یکی
پس از دیگری کشورها را فتح میکردند ، هیچ
نمونه ای از اجبار مردم باسلام و آزار و شکنجه دادن
آنان بچشم نمیخورد و در حقیقت همان سیاست
مسالمت آمیز دینی که مسلمانان فاتح نسبت
بائین مسیحیت معمول میداشتند بزرگ-
تترین عامل مؤثر در تسهیل استیلاء
آنان باین سرزمینها بوده است ، (۳)

و مادر مباحث آینده آنجا که از عوامل بیرونی
پیشرفت اسلام و آمادگی محیط و زمان بحث خواهیم
کرد دوباره شواهدی از خوش رفتاری مسلمین خواهیم
آورد .

(۲) الدعوة الى الاسلام ص ۷۲

(۱) تاریخ قرون وسطی ج ۱ ص ۱۲۸

(۳) الدعوة الى الاسلام ص ۱۵۷